

بازنمایی ایران در اخبار شبکه‌های تلویزیونی امریکا (تحلیل گفتمان انتقادی اخبار سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی در ارتباط با توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱)

دکتر محمدباقر سپهری*

چکیده

فعالیت‌های هسته‌ای ایران از جمله موضوعاتی است که طی دهه اخیر، در صدر اخبار رسانه‌ها، به ویژه شبکه‌های امریکا انعکاس می‌یابد. هدف از پژوهش حاضر، دستیابی به نحوه بازنمایی سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی از مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ در وین، با روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بوده است. جامعه آماری ۵۲ خبر و حجم نمونه ۱۲ خبر سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی را طی تیرماه ۱۳۹۵ در برمی‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این شبکه‌ها، با برجسته کردن نقش امریکا به عنوان ناجی دنیا و ارائه چهره‌ای منفی از ایران در چارچوب دستیابی به بمب اتمی، دخالت در منطقه و حمایت از تروریسم، سعی در ایجاد ایران هراسی دارند. سی‌ان‌ان از تفاهم با امریکا، ایران را به توافق اجباری متهم می‌کند اما ان‌بی‌سی توافق را عامل قدرتمند شدن ایران و خطری برای امنیت اسرائیل و عربستان می‌داند و مدعی است که توافق هسته‌ای می‌تواند صلح جهانی را به خطر بیندازد و خاورمیانه را با بدترین تنش‌ها مواجه سازد.

کلید واژه‌ها: مذاکرات هسته‌ای، کشورهای ۵+۱ و ایران، توافقنامه وین، ایران هراسی، تروریسم

* دکترای رادیو، تلویزیون و سینما، دانشگاه استانبول ترکیه

مقدمه

رسانه پر قدرت و مؤثر تلویزیون که از روش‌های متنوع برای تأثیرگذاری بر مخاطبان، به‌خصوص در عرصه بین‌المللی استفاده می‌کند، نقش مهمی در کنترل افکار عمومی دارد (هدنبرگ^۱، ۲۰۱۷). به همین دلیل، موضوعات دیپلماتیک و نظامی سران کشورها تحت تأثیر شبکه‌های خبری تلویزیونی قرار می‌گیرند و در ارائه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی، رویکردهای شبکه‌های تلویزیونی را در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر، تلویزیون‌های خبری، رکنی مهم در سیاست جهانی به شمار می‌روند (گیلبوا^۲، ۲۰۱۱، صص ۷-۴).

به نظر مورگنتا^۳، رسانه‌ها سیاست پرستیژ را در صحنه بین‌الملل دنبال می‌کنند. چنین سیاستی به معنای آن است که دولت‌ها تحت تأثیر قدرت کشور مبدأ قرار گیرند یا قدرت آن کشور از سوی سایرین پذیرفته شود (ترجمه مشیرزاده، ۱۳۹۳، ص ۱۹۷). در امتداد چنین قدرتی، رسانه‌های خبری با رویکرد دیپلماتیک، می‌توانند تأثیرگذاری بر امنیت ملی کشورها و همچنین افکار عمومی را در گستره جهانی به دست آورند. بنابراین، نقش رسانه‌های خبری به‌عنوان مهم‌ترین ابزار و جایگاه محوری در نظام روابط بین‌الملل و در روابط با دولت‌ها، همسو با اعتمادسازی و تفاهم است؛ همچنین نفوذ در افکار عمومی برای بسیج آنها در صحنه بین‌المللی به‌منظور فشار بر دولت‌ها، نقش دیگری است که در قالب دیپلماسی ایفا می‌کنند (یانگ^۴، ۲۰۱۴). رسانه‌ها برای همسو کردن افکار عمومی با اهداف و سیاست‌های خود، قادرند تصاویر، گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی را، گزینش و به سمت و سوی خاص رهبری کنند. در این میان، هیچ رسانه‌ای بهتر از تلویزیون نمی‌تواند با احساسات مخاطبان بازی کند (ولچ، ترجمه افشار، ۱۳۶۹، ص ۳۴) چراکه تلویزیون توانایی انعکاس سریع رویدادها را از طریق ارائه اخبار در ژانرهای مختلف دارد.

1. Hodenberg

2. Gilboa

3. Morgntau

4. Young

همین ویژگی مهم تلویزیون باعث شده است که دولت‌ها در پیشبرد اهداف سیاسی و دیپلماتیک برای تفاهم، جنگ یا به انزوا کشاندن کشوری از آن بهره‌های فراوان ببرند. مباران یوگسلاوی (۱۹۹۹)، حمله به افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳)، انزوای کره شمالی، تضعیف قدرت روسیه، انقلاب‌های رنگی و تداوم حمایت از اسراییل از مواردی است که با کمک رسانه‌ها و به‌خصوص تلویزیون راه برای انجام آن هموار شده است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که طی ۴ دهه گذشته، آماج تبلیغات سیاه رسانه‌های غرب بوده است.

سال ۱۳۵۷ در حالی که رسانه‌ها با سرعت زیاد گسترش و توسعه می‌یافتند، انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست. حکومت پهلوی که حکومتی همسو با غرب بود، به دست مردم سقوط کرد و نظامی متفاوت با گفتمان‌های رایج دنیا شکل گرفت. رسانه‌ها به‌عنوان بازوی تبلیغی و سیاسی کشورهاشان، رویکردهای گوناگونی نسبت به رویدادهایی همچون جنگ ایران و عراق، فعالیت‌های هسته‌ای، تروریسم و حقوق بشر اتخاذ کردند و به بازنمایی ایران بر اساس سیاست دولت‌هایشان پرداختند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل موضع‌گیری‌های مستقل در سیاست خارجی که برگرفته از آرمان‌های انقلاب اسلامی است، چالش‌های گوناگونی را در عرصه بین‌الملل به‌ویژه در حوزه رسانه تجربه می‌کند. تقابل سیاست‌های ایران با اهداف و فعالیت‌های قدرت‌های برتر جهانی که در پی گسترش سلطه خود در نقاط مختلف جهان به‌ویژه خاورمیانه هستند، منجر به بروز تعارض گفتمانی و ایدئولوژیکی شده است (متقی و بالازاده، ۱۳۹۲، صص ۲۰-۱۵).

از جمله تعارض‌هایی که طی مهر و موم‌های اخیر بین ایران و کشورهای دیگر، مورد مناقشه قرار گرفته، فعالیت‌های هسته‌ای است. ایران از این انرژی برای کاربردهای علمی و صلح‌آمیز استفاده می‌کند در حالی که کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا، مدعی فعالیت ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای‌اند. لازمه بررسی این مسئله و تعارضات پدید آمده، مطالعه و پژوهش در خصوص رسانه‌های غربی و اخبار شبکه‌های تلویزیونی آنها درباره ایران است. تاکنون به موضوع هسته‌ای ایران فقط به‌صورت کلیشه‌ای و با

روش‌هایی چون تحلیل محتوای برنامه تلویزیونی پرداخته شده به همین دلیل، مقاله قصد دارد با روش تحلیل گفتمان انتقادی به ورای متن رفته و واقعیات پشت پرده رسانه‌های آمریکا را آشکار سازد؛ بنابراین، مسئله این است که با توجه به سیاست‌ها و دیپلماسی عمومی آمریکا، شبکه‌های تلویزیونی در ارتباط با موضوعات هسته‌ای ایران، چه رویکردهایی دارند و نحوه بازنمایی ایران در خبرهای تلویزیونی آمریکا چگونه است.

اهداف و پرسش‌ها

هدف اصلی مقاله را نحوه بازنمایی مذاکرات هسته‌ای و توافقات بین ایران و ۱+۵ وین در سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی تشکیل می‌دهد. بر این اساس، پرسش‌ها عبارت‌اند از: در سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی رویدادهای مرتبط با ایران چگونه بازنمایی می‌شوند؟، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در تصویرسازی این دو شبکه از ایران وجود دارد؟، شبکه‌های مورد نظر در مشروعیت بخشیدن به اخبار، از کدام منابع و شیوه‌های مشروعیت‌بخش استفاده می‌کنند؟ و مشارکین^۱ و قطب‌بندی^۲ منفی و مثبت از نوع ما و دیگری، در این شبکه‌ها چگونه بازنمایی می‌شوند؟

پیشینه پژوهش

مهدی‌زاده (۱۳۸۴) در پایان‌نامه دکترای خود با عنوان «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، روزنامه‌های نیویورک‌تایمز^۳، گاردین^۴، دی‌ولت^۵ و لوموند^۶» را بررسی کرده، ایدئولوژی و گفتمان شرق‌شناسی را منبع و چارچوب بازنمایی ایران در آنها دانسته و بر این اساس، نگاه غرب به ایران را مورد واکاوی قرار داده است. روش پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی و ندایک بوده و یافته‌ها نشان داده است که ایران در مقابل غرب، دیگری و به‌عنوان دشمن بازنمایی می‌شود.

1. participants

2. polarization

3. New York Times

4. Gaurdien

5. Die Welt

6. Le Monde

جک شاهین^۱ (۲۰۰۳) پایان‌نامه دکترای خود را به موضوع «رسانه‌های آمریکا اعراب را چگونه بازنمایی می‌کنند» اختصاص داده است. روش پژوهش، تحلیل محتوا و موضوع بررسی، سینمای هالیوود بوده است. پژوهش نشان داده است که رسانه‌های آمریکا، همیشه اعراب و مسلمانان را به بهانه‌های مختلف، مورد تهمت و افترا قرار می‌دهند. به نظر شاهین، در حالی که فقط ۱۲ درصد مسلمانان عرب هستند، در نتیجه کلیشه‌سازی‌ها، همه مسلمانان به قوم عرب محدود شده‌اند و اعراب نیز اقوامی بی‌فرهنگ، تروریست، فاسد و متعصب بازنمایی شده‌اند که تفرشان از مسیحیان و یهودیان، ریشه تاریخی دارد. آنها سعی دارند قدرت و ثروت خود را در جهت ارضای امیال جنسی به‌کار گیرند. وی تأکید دارد که حتی کشورهای پیشرفته‌ای همچون ترکیه، ایران و... با وجود عرب نبودن، مانند اعراب بازنمایی می‌شوند.

اوزگه بایندیر^۲ (۲۰۰۷) پایان‌نامه دکترای خود را با موضوع بازنمایی کردها در ترکیه نوشته است. روش پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی وندایک بوده و طبق بررسی‌ها، مسائل قومیتی در ترکیه را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تا دهه ۹۰ میلادی، هویت کردها در مطبوعات انکار می‌شده و بعدها نیز واژه کرد با تروریسم، دزدی و بی‌فرهنگی همراه شده است؛ اما از اوایل قرن ۲۱، هویت کرد به‌عنوان هویتی مستقل در مطبوعات ظاهر می‌شود هرچند که هنوز هم آن را با گروه تروریستی پ‌ک‌ک بازنمایی می‌کنند.

یاسین^۳ (۲۰۱۲) پایان‌نامه دکترای خود را با موضوع گفتمان خبری در سایت‌های اینترنتی به نگارش درآورده است. روش پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی وندایک و هدف، بررسی گفتمان مسلط و نحوه تأثیرپذیری سایت‌ها در بازتولید مشروعیت برای حاکمیت بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود اینکه اینترنت فضای مناسبی برای متفاوت بودن و تفکرات متنوع است، گفتمان حاکم در درون سیستم حکومتی باعث شده است که سایت‌ها هم در ارائه اخبار و رویدادها، به نفع گفتمان مسلط فعالیت کنند و بیش از آنکه نماینده گروه‌های مختلف فکری باشند در راه مشروعیت‌بخشیدن به گفتمان‌های سیاسی دولت گام بردارند.

1. Jack Shaheen

2. Özge Bayındır

3. Yasin

پژوهش‌های یاد شده را از لحاظ شباهت با پژوهش حاضر می‌توان سیر منطقی در تحلیل سوژه‌ها بر اساس گفتمان‌های انتقادی دانست؛ از تفاوت‌های این پژوهش، روش پژوهشی متمایز و ورود عمیق‌تر به بحث است چنان‌که با استفاده از روش فرکلاف توانسته است لایه‌های گفتمانی شبکه‌ها را مورد واکاوی قرار دهد. علاوه بر این، در پژوهش‌های دیگر، رسانه‌های مورد بررسی شبکه‌های تلویزیونی نیستند و اغلب، مطبوعات و اینترنت را شامل می‌شوند اما در پژوهش حاضر، به شبکه‌های تلویزیونی پرداخته شده است.

چارچوب نظری پژوهش

اندیشمندان حوزه ارتباطات، چارچوب بازتولید ایدئولوژی در رسانه، به‌ویژه اخبار و ماهیت آن را از طریق مطالعات تحلیل گفتمانی شکل می‌دهند. طبق نظر فاولر^۱ نحوه ارائه ایدئولوژی، در خبرها تکمیل می‌شود و این کار با تکرار باورهای عمومی جامعه در پس‌زمینه اخبار دنبال می‌شود که نقش بازتولید ایدئولوژی و وفاق اجتماعی را بازی می‌کند (نقیب‌السادات، ۱۳۸۸، صص ۳۱-۲۴).

در همین چارچوب، ایدئولوژی از سوی کنشگران از راه‌های گوناگون همچون اشاعه اخبار بازتولید می‌شود؛ بنابراین ایدئولوژی‌ها در ساختارها و رویدادهای زبانی کمتر به‌صورت مستقیم و آشکار نمایان می‌شوند. ون‌دایک^۲ معتقد است که ایدئولوژی‌ها به شکل گزاره‌های کلی و به ظاهر طبیعی، با مخفی کردن ماهیت خود بازتولید می‌شوند (۱۹۹۵، ص ۱۸).

از دیدگاه مکتب گلاسکو نیز خبر نه یک پدیده طبیعی که مصنوع ایدئولوژی گفتمانی است و به شکل اجتماعی ساخته می‌شود؛ خبر نه تنها واقعیت‌های اجتماعی و حقایق را بی‌طرفانه منعکس نمی‌کند، بلکه در ساخت اجتماعی واقعیت نیز مداخله می‌کند (شکرخواه، به نقل از شرف‌الدین و کوهی، ۱۳۹۵). به همین دلیل، خبر یک محصول است و این محصول به‌وسیله صنعت تولید می‌شود و در ساختارهای اقتصادی

1. Fowler

2. Van Dijk

و دیوانسالاری، در پیوند با سایر صنایع و از همه مهم‌تر، در ارتباط با دولت و سازمان‌های سیاسی شکل می‌گیرد. بر این اساس، شکل‌گیری واقعیت‌ها به‌نوبه خود، تابع محدودیت و جبر گفتمانی است. مردم به‌واسطه طبقه‌بندی نظام ارتباطی با جهان مرتبط می‌شوند. به دلیل تفاوت در طبقه‌بندی‌های ایدئولوژیک، واقعیت‌های متفاوت به وجود می‌آیند و این نشان می‌دهد که تجزیه و تحلیل انتقادی، عبارت از تجزیه و تحلیل این ایدئولوژی‌ها و کنترل نیروهای پنهان است (فاولر، ۱۹۹۳، ص ۲). ایدئولوژی‌ها همواره از طریق نشانه‌ها، نمادها و سوژه‌ها به ساخت گفتمان می‌پردازند. گفتمانی که در چارچوب بازنمایی شکل می‌گیرد و نه تنها انعکاس واقعیات نیست که برساختی از واقعیت است. ادوارد سعید هم رویکرد شرق‌شناسی خود را بر این اساس و با الگو گرفتن از گفتمان فوکو ارائه داده است.

بازنمایی؛ برساخت واقعیت‌ها در رسانه

سعید در شرق‌شناسی تأکید دارد که تحلیل غرب از مسلمانان، همواره به‌عنوان دیگری و با واژه‌هایی همچون «ما و آنها» بنا شده است. از نگاه غربی‌ها، آنچه در برابر ماست؛ به گفتمانی با عنوان بیگانه‌گرایی^۱ توجیه می‌شود. سعید، بازنمایی‌های شرق‌شناسانه را پیش و بیش از آنکه واقع‌بینانه باشد، نوعی ارائه نظام بازنمایی شرقی در غرب می‌داند. به همین دلیل رسانه‌های غرب تلاش دارند تا واقعیت شرق، خاورمیانه و ایران را با ایماژها و انگاره‌سازی‌های منفی برجسته کنند (پیرنجم‌الدین، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

طبق این رویکرد، نگاه غرب به شرق، نه اکتشاف بلکه اختراع آن است؛ به همین دلیل رسانه‌ها سعی دارند واقعیت را آن‌گونه که می‌خواهند، بسازند. در این زمینه، بازنمایی مفهومی کلیدی در آشکار ساختن تولید معنا، ساخت و روایت واقعیت است (پرسل^۲، ۲۰۱۴). حال معتقد است؛ رسانه‌ها به هر میزان که واقعیت را شکل دهند و در ساخت واقعیت و تولید معنا در چارچوب یک نظام گفتمانی عمل کنند، رسانه‌ای دیگر با نگاهی متفاوت از رسانه رقیب، بخشی دیگر از واقعیت را بازنمایی خواهد کرد.

1. exotism

2. Presl

متفکران انتقادی، بازنمایی را انعکاس و بازتاب معنای پدیده‌ها در جهان خارج نمی‌دانند بلکه آن را تولید و ساخت معنا بر اساس چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی قلمداد می‌کنند. با این توصیف، بازنمایی واقعیتی است که از طریق رسانه ساخته می‌شود و هیچ امر فرازبانی، فراگفتمانی و فراتاریخی وجود ندارد که به نحو عینی و شفاف انعکاس یابد؛ بلکه هرگونه فهم و شناختی از واقعیت، امری است که در رسانه‌ها، ساخته و به واقعیت تبدیل می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، صص ۱۱-۱۰).

حال روایت غربی را در تفوق یافتن غرب بر دیگر فرهنگ‌ها مؤثر می‌داند (ترجمه برکت، ۱۳۸۴، ص ۳۲۳). از همین روایت‌ها و بازنمایی واقعیت است که سناریوهای غرب آشکار می‌شود و در نبود ساختار معنایی، ارتباط بین رسانه و مخاطب و در پوشش دستورالعمل مخفی که از طریق برنامه‌های ارتباطی ارائه می‌شود، تلاش‌های دیپلماسی کنش راهبردی پنهان و ایجاد سناریوهای مشکوک را آشکار می‌سازد. سناریویی که در نظر مخاطبان، برای مثال از ایران، تعبیری نامتقارن یا بد، مانند «محور شرارت» را مجسم می‌کند. از این رو، تضاد به وجود آمده این است که به جای دستیابی به تفاهم، کارکرد دیپلماسی عمومی به‌طور تاریخی باعث ایجاد سناریویی برای بیشتر شدن سوءتفاهم‌ها و ارتکاب خشونت با تحمیل مجموعه ویژه‌ای از معانی به خاورمیانه، به‌ویژه ایران می‌شود.

بازنمایی، سیاست‌های نمایش‌دهنده رسانه‌ها را با تصاویر و شیوه‌های به تصویر درآوردن گروه‌های خاص را تثبیت می‌کند؛ بنابراین، عمل بازنمایی می‌تواند بر چگونگی شکل‌گیری تجارب گروه‌ها در جهان و چگونگی فهمیده شدن آنها مؤثر باشد (استفورد^۱، ۲۰۰۳). این امر نیز به اهمیت رسانه‌های جمعی در داشتن قدرت بازنمایی برمی‌گردد، چراکه از این طریق تصاویر و گمان‌هایی را که به دنبال آن هستند، بازمی‌نمایند و آنهایی را که دلخواهشان نیست، کتمان می‌کنند تا نتوان تعاملی برقرار کرد. از همین جاست که نگاه برساختی غرب با استفاده از رسانه‌ها نسبت به شرق

1. Stafford

(به‌ویژه ایران) با برجسته کردن برخی تصاویر یا ایماژهای دلخواه و کتمان حقایق موجود، به اسلام هراسی و ایران هراسی به‌مثابه واقعیت دامن می‌زنند و در پی آن، هر آنچه می‌تواند بد و غیرانسانی باشد، در نگاه مخاطبان مجسم می‌کنند.

اسلام هراسی و ایران هراسی

اسلام هراسی، پیش‌داوری یا تبعیض علیه اسلام و مسلمانان، پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مورد استفاده روزافزون قرار گرفت. پس از فروپاشی شوروی، غرب به دنبال دشمن جدیدی می‌گشت و با توجه به گسترش دین اسلام در اروپا و امریکا و قدرت‌یابی اقتصادی کشورهای مسلمان، سردمداران آن برای پیشبرد اهداف سلطه‌طلبانه خود، اسلام و ممالک اسلامی را آماج گفتمان‌های تقابلی گرایانه قرار دادند. غرب که به دنبال دستیابی به منابع زیرزمینی از جمله نفت و گاز بود، با ایجاد گروه‌های تروریستی در خاورمیانه و ایجاد ناامنی‌های فراوان، بهترین بهانه را برای لشکرکشی و تسلط بر خاورمیانه به دست آورد و به بهانه‌هایی از جمله سلاح‌های کشتار جمعی عراق، القاعده در افغانستان و... راه خود را به این منطقه باز کرد. به این ترتیب، پدیده اسلام هراسی باعث شد تا اسلام‌ستیزی در برخی از جوامع رشد بیشتری یابد (قندهاری، ۱۳۹۷). جان ففر دشمنی غرب با اسلام را ناشی از قدرت گرفتن کشورهای اسلامی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی می‌داند. وی تأکید می‌کند که از جنگ‌های صلیبی، غربی‌ها همواره اسلام را از پشت شیشه‌های خصومت‌آمیز و جنگ‌های تاریخی نگریسته‌اند و این رویکرد بر نگرششان نسبت به مسلمانان عصر حاضر نیز تأثیر گذاشته است. اسلام در امریکا، تا حدی به دلیل خصومت‌های مذهبی و تهدیدات ژئوپلیتیک با نوعی اضطراب فرهنگی همراه شده و اسلام هراسی از طریق سیاست خارجی امریکا، همزمان با افزایش تأثیر اسلام مدرن در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی تقویت می‌شود (ففر^۱، ۲۰۱۷).

از مهم‌ترین مؤلفه‌های اسلام هراسی که از سوی غرب و به رهبری امریکا دنبال

می‌شود، ایران هراسی است که به‌عنوان یکی از سیاست‌های مهم به‌کار می‌رود. از جمله فروش تسلیحات نظامی به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان سران عرب و خطرناک جلوه دادن ایران به‌عنوان دشمن - اعراب با به دست آوردن آمادگی لازم برای حمله به ایران و جلوگیری از دستیابی آن به فناوری پیشرفته به‌خصوص تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای (مرکز مطالعات خلیج فارس، ۱۳۸۹). مؤلفه دیگر، بد معرفی کردن ایران با عناوینی همچون بی‌فرهنگ، محور شرارت، حامی تروریسم، تهدید همسایگان و صلح جهانی، طراحی توطئه برای نسل‌کشی یهودیان و موارد دیگر است.

تنش‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا با ایران، طی چهار دهه نتوانست از گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه و حتی اروپا و آمریکا جلوگیری کند. گسترش نفوذ اسلام در جوامع و بیداری اسلامی سبب تشدید دشمنی رسانه‌های وابسته به نظام سلطه با ایران شده است. نمونه بارز، کشتار مسلمانان در میانمار و شیعیان در عراق، سوریه، بحرین و مصر، ائتلاف ضدشیعی در مالزی و اندونزی، تروریست‌های سلفی، وهابی‌ها و تکفیری‌ها در منطقه است (محمدی‌فومنی، ۱۳۹۳).

تا قبل از انقلاب اسلامی، هدف غرب از اسلام هراسی، تزلزل افکار دینی در میان مسلمانان بود؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و خودباوری در میان مسلمانان به‌سرعت فراگیر شد. غرب برای جلوگیری از گسترش بیداری اسلامی به سمت بازنمایی رسانه‌ای با ترویج تصاویر هراسناک از اسلام روی آورد؛ و همسو با چنین هدفی، با ایجاد جنگ‌های روانی و رسانه‌ای علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، موج جدیدی از ایران هراسی را به راه انداخت (فرقانی و احمدی، ۱۳۹۰، ص ۶۴)، به‌طوری که از طریق رسانه‌های خود القا کرد اگر ایران به فعالیت‌هایش ادامه دهد، به بمب هسته‌ای دست خواهد یافت و دنیا را با خطر بزرگی مواجه خواهد ساخت. درحالی‌که ایران مدعی بود فعالیت‌هایش صلح‌آمیز است و برای اثبات این ادعا با پذیرش مذاکرات هسته‌ای در مسیر رسیدن به فعالیت‌های صلح‌آمیز تلاش کرد و در نهایت، با توافق به

دست آمده در وین، فعالیت‌های هسته‌ای آن در طرحی به نام برج‌های عملی شد تا هم ایران فعالیت‌های صلح‌آمیزش را ادامه دهد و هم دیگر کشورها از فعالیت‌های هسته‌ای ایران مطمئن باشند.

در یک جمع‌بندی از پیشینه و مباحث نظری می‌توان بازنمایی منفی رسانه‌های غرب به‌خصوص امریکا را علیه ایران به‌عنوان یک دیگری و دشمن غرب شاهد بود. در واقع، انگاره‌سازی منفی گرایانه از اسلام و مسلمانان و نگاه تحقیرآمیز این رسانه‌ها که حاکی از تسلط ایدئولوژی غرب بر شرق است در بازه زمانی و بر اساس سیاست‌ها و منافع بلندمدت خود سعی در ایجاد ایماژهای تقلیل‌گرایانه از ایران دارد. علیرغم فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، با اجماع جهانی درباره حمایت ایران از تروریسم، جنگ‌طلبی ایران و دخالت آن در امور داخلی خاورمیانه، دشمن‌سازی ایران از طریق رسانه‌های غرب به گفتمان مسلط بر اساس ایده تهدید اسلامی هانتینگتون تبدیل شده و ایران در این چارچوب به‌عنوان الگویی خطرناک معرفی شده است. چنان‌که پژوهش‌های دیگر نیز وجود گفتمان سیاسی غرب بر اساس ایران هراسی را مورد تأکید قرار داده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

روش به‌کار رفته، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف^۱ است. در تحلیل انتقادی گفتمان، مهم این است که گفتمان چگونه به نحوی فزاینده در بازتولید ساختارهای کلان دخالت می‌کند؛ توجه به اصول بنیادی گفتمان، چه سازنده و چه ساخته شده، کاربرد زبان در بافت آن، ساختارهای فرهنگی - اجتماعی، کارکرد ایدئولوژیک و تحقیق انتقادی بودن می‌تواند در بازتولید ساختارهای کلان دخیل باشد.

تحلیل گفتمان انتقادی روشی کیفی است و نیازی به انتخاب نمونه‌های زیاد نیست چراکه در مسیر تحلیل، آنچه مهم است، جزییات موجود در نمونه‌ها و دستیابی به

آنهاست (اکشی^۱ و چلیک^۲، ۲۰۱۱، ص ۱۱۲). در این پژوهش، جامعه آماری، اخبار سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی در مورد مذاکرات هسته‌ای ایران است و از شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند^۳ (نمونه‌های قضاوتی) استفاده شده است (نچمیاس و نچمیاس^۴، ۲۰۰۲، صص ۲۶۵-۲۶۴). پژوهشگر نمونه‌ها را به صورت ذهنی و با هدف قبلی انتخاب کرده و این انتخاب نه به دلیل سهولت که بر اساس اطلاعات قبلی است. بر همین اساس، تمامی اخبار پخش شده از دو شبکه ضبط شده است تا از میان آنها خبرهایی که با هدف و ذهنیت پژوهشگر مطابقت دارند، انتخاب شوند.

بنابراین با نمونه هدفمند، ابتدا تمامی اخباری (۵۲ خبر) که طی یک ماه (تیر ۱۳۹۵) از سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی درباره مذاکرات پخش شده بود، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و سپس با هدف انتخاب نمونه‌های خاصی که بازتاب‌دهنده و بازتولیدکننده انگاره‌ها و ایمازهای مرتبط با مذاکرات باشد، تعداد ۱۲ خبر (۶ خبر سی‌ان‌ان و ۶ خبر ان‌بی‌سی) به‌عنوان شواهد مباحث نظری انتخاب شد تا تمهیدات گفتمانی آنها تحلیل انتقادی شود.

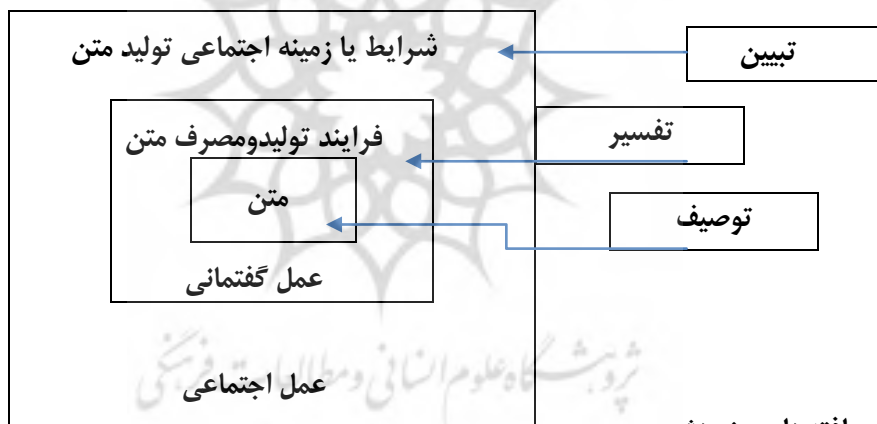
عملیاتی کردن و مقوله‌سازی

فرکلاف، از متغیرهای متنوعی استفاده می‌کند که بسته به موضوع می‌توانند تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند. بر اساس موضوع خبری هسته‌ای در سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی، ۱۱ متغیر واژگان، مشارکین، قطب‌بندی، استناد، استنباط، مؤلفه‌های اجماع، سبک بیان، انسجام‌بخشی، واژگان ایدئولوژیک، استعاره و گزاره‌های اساسی مورد استفاده قرار گرفت. روش فرکلاف، دارای سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین و هر حوزه، دارای فرایند ارتباطی (تعامل) است. این تعاملات شامل متن (گزارش خبری)، کنش گفتمانی (مرحله تولید و مصرف) و کنش اجتماعی (ساختارهای فرهنگی) می‌شود که چارچوب تحلیل یک فرایند ارتباطی را تشکیل می‌دهند. درواقع، مدل سه بعدی فرکلاف،

1. Ekshi 2. Chelik 3. purposive sample
4. Nachmias & Nachmias

چارچوبی تحلیلی برای تحقیق تجربی درباره ارتباطات و جامعه است و هر نوع تحلیل گفتمان رخدادهای ارتباطی، باید ابعاد سه‌گانه فوق را در برگیرد (فرکلاف، ۱۹۹۶، ص ۲۶). در سطح توصیف، مشخصات صوری مانند واژگان قرار دارد. در سطح تفسیر، متون بر اساس فرضیات عقل سلیمی که ویژگی‌های متن را دارای ارزش می‌کند، تفسیر می‌شوند و تفسیر غالباً ترکیبی است از متن و ذهنیت مفسر که بر اساس دانش زمینه‌ای مفسر به‌کار گرفته می‌شود. سطح تبیین، ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی را بیان می‌کند و هدف از تبیین، نشان دادن گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است (فرکلاف، گروه مترجمان، ۱۳۷۹، صص ۱۷۵-۱۷۱). ارتباط میان ابعاد سه‌گانه، گفتمان و مراحل سه‌گانه روش‌شناختی در شکل ۱ ارائه شده است.

شکل ۱. ارتباط میان ابعاد سه‌گانه، گفتمان و مراحل سه‌گانه روش‌شناختی



یافته‌های پژوهش

برای سیر منطقی یافته‌ها و وارد شدن به سطوح مختلف گفتمانی فرکلاف، ابتدا سطح توصیف که متشکل از ۱۱ متغیر است، در جداول یک و دو ارائه شده‌اند. این متغیرها مبنای تحلیل گفتمانی پژوهش در سطوح تفسیر و تبیین هستند. در جدول ۱، توصیف کیفی اخبار سی‌ان‌ان و در جدول ۲، اخبار بررسی شده ان‌بی‌سی ارائه شده و بر مبنای این جداول، سطوح تفسیر و تبیین که لایه‌های عمقی تحلیل را تشکیل می‌دهند، مورد بحث قرار می‌گیرند.

سطح توصیف

جدول ۱. توصیف کیفی فرایندی - تطبیقی (قبل، حین و بعد از توافق هسته‌ای)
در طول یک ماه بررسی اخبار سی‌ان‌ان

مقولات	شاخص	
تفاهم با ایران با هدف مسدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای، تعامل برای رسیدن به نقاط مشترک، دفاع اوپاما، رضایت ایران	مثبت	واژگان
ایران هراسی، انتقاد شدید رهبر ایران و گستاخ خواندن امریکا، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، خطرناک، افزایش ۲۰ درصدی ذخایر ایران، اختلافات و ضرب‌الاجل غرب به ایران	منفی	
باراک اوپاما، جان کری، جواد ظریف، روحانی، الفیصل	مثبت	مشارکین
رهبر ایران، سازمان ملل، نمایندگان اروپا	منفی	
امریکا، هم‌پیمانان منطقه‌ای از جمله عربستان و اسرائیل	ما	قطب‌بندی
رهبر ایران، تندروهای ایرانی، اسرائیل	دیگری	
جان کری؛ ما در حال پیشرفت هستیم، رهبر ایران؛ سیاست ایران در برابر امریکا تغییر نخواهد کرد، فایبوس و موگرینی؛ مذاکرات سخت است، سازمان ملل؛ ذخایر ایران ۲۰ درصد افزایش دارد.	استناد و ذکر شواهد	
نقش اصلی رهبر ایران در مشخص کردن خطوط قرمز مذاکرات، توافق هسته‌ای موضع ایران را نسبت به امریکا تغییر نخواهد داد، حمایت ایران از سوریه و حزب‌الله، بی‌اعتمادی ایران به غرب	پیش‌فرض	استنباط
مذاکرات به‌سوی موفقیت و توافق پیش می‌رود، دولت ایران با فشار امریکا راضی به مذاکره شده، رهبران ایران، اسرائیل و عربستان به مذاکرات بدبین هستند.	تلقین	
حمایت ایران از گروه‌های تروریستی	تداعی	
استقبال مقامات و کارشناسان ایران و غرب از توافق، استقلال نداشتن نماینده ایران در وین، برداشته شدن تحریم‌ها علیه ایران، امیدواری ایرانیان به توافق نهایی	مؤلفه‌های اجماع و توافق	
بیان خاص، کلی‌گویی، ابهام، نامگذاری، تأکید، واژگان خاص	سبک بیان	
انسجام زمانی، شرط، علی، موقعیتی، متوالی، انگیزه‌ای و تبعی	انسجام موضعی	
شلاق باران بر وین، شیطان بزرگ، سیگنال‌های متضاد	استعاره	
مرگ بر امریکا، اسرائیل و انگلیس، نیروهای تندرو، قلدری، گستاخی امریکا، شیطان بزرگ	واژگان ایدئولوژیک	
اعتقاد دولت امریکا به پیشرفت مذاکرات برای رسیدن به تفاهم، جدی‌ترین تفاهم امریکا و ایران طی ۳۰ سال اخیر، احترام به خطوط قرمز غرب و ایران، بدگمانی و بی‌اعتمادی به امریکا	گزاره‌های اساسی	

بازنمایی ایران در اخبار شبکه‌های تلویزیونی آمریکا ... ❖ ۲۰۵

جدول ۲. توصیف کیفی فرایندی - تطبیقی (قبل، حین و بعد از توافق هسته‌ای) در طول

یک ماه بررسی اخبار ان‌بی‌سی

مقولات	شاخص	
گفتگو برای رسیدن به تفاهم، بستن راه‌های گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران، پیشرفت هوشمندانه برای امضای نهایی	مثبت	واژگان
ضرب‌الاجل برای توافق، تدریج‌های ایران، بزرگ‌ترین حامی تروریسم، غیر دیپلماتیک بودن و شکست آمریکا در مذاکرات، ایران قدرتمندتر، خطری برای جهان	منفی	
جمهوری خواهان آمریکا، اسرائیل (تتائیا هو)، یهودیان	مثبت	مشارکین
رهبر ایران، ملاهای تندرو، دموکرات‌های سنای آمریکا، اوپاما، جواد ظریف	منفی	
تتائیا هو، انقلاب سبز ایران، جمهوری خواهان کنگره آمریکا	ما	قطب‌بندی
وزیر خارجه ایران، ملاهای تندرو ایران، دموکرات‌های آمریکا، اوپاما	دیگری	
تتائیا هو: توافق با ایران بدتر از توافق با کره شمالی است، نامه سناتورهای جمهوری خواه و هشدار به رهبر ایران، به بن‌بست کشاندن مذاکرات از سوی تندروها، محکومیت مذاکرات از سوی جمهوری خواهان	استناد و ذکر شواهد	
مخالفت اعراب و اسرائیل با توافق هسته‌ای، به خطر افتادن امنیت اسرائیل، دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، اختلافات درباره تحریم‌ها، تأکید بر محدود کردن فعالیت هسته‌ای ایران	پیش فرض	استنباط
اسرائیل و جمهوری خواهان مخالف توافق‌اند، کنگره آمریکا در پی تصویب نشدن توافق‌نامه است، قدرتمندتر شدن ایران	تلقین	
مخالفت‌های شدید جمهوری خواهان با توافق، تنش‌زا بودن روابط ایران و آمریکا در آینده	تداعی	
انتقاد جمهوری خواهان از دموکرات‌ها در خصوص توافق، جنگ سیاسی برای انتخابات ریاست جمهوری آتی آمریکا	مؤلفه‌های اجماع و توافق	
بیان خاص، کلی‌گویی، ابهام، نامگذاری، تأکید، واژگان خاص	سبک بیان	
انسجام زمانی، شرط، علی، موقعیتی، متوالی، انگیزه‌ای و تبعی	انسجام موضعی	
کشتن توافق، رد توافق با حرکت یک‌قلم، سرد کردن زمان، به توافق‌نامه منفجر می‌شوند، آخرین نقطه اشتعال	استعاره	
ساختن بمب هسته‌ای، تحریم‌های مناقشه آمیز، جنگ سیاسی، وتو، لابی، حامی تروریسم	واژگان ایدئولوژیک	
مخالفت اسرائیل و جمهوری خواهان با توافق نهایی، تهدید به تأیید نشدن در کنگره آمریکا، متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم، انتقاد از آمریکا به خاطر توافق با ایران، بالا گرفتن تنش بین کاخ سفید و کنگره	گزاره‌های اساسی	

سطح تفسیر

بررسی اخبار سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی در سطح تفسیر نشان می‌دهد که هر دو، با نگاهی جانبدارانه به مذاکرات، جهت‌گیری‌های مثبت نسبت به غرب و سوگیری منفی نسبت به مواضع ایران داشته‌اند. از این نظر، سی‌ان‌ان در واژگان مثبت خود «تفاهم با ایران برای مسدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای»، «تعامل در رسیدن به نقاط مشترک»، «دفاع اوباما» و «رضایت ایران از تفاهم» را برجسته کرده است؛ اما ان‌بی‌سی عباراتی همچون «گفتگوی ایران و غرب برای تفاهم» و در پی آن «بستن راه‌های گسترش سلاح هسته‌ای» را به کار برده تا سبب توافق دموکرات‌ها با مذاکرات باشند. در مقابل، جمهوری خواهان، تفاهم را با «تأیید نشدن در کنگره» تهدید کرده‌اند و با این حال پیشرفت هوشمندانه برای توافق نهایی» را یادآور شده‌اند. سی‌ان‌ان در واژگان منفی، با برجسته کردن رهبر ایران به «انتقاد شدید و گستاخ خواندن امریکا» پرداخته و «تحریم‌های هسته‌ای، نظامی و تسلیحاتی علیه ایران» را یادآور شده است. همچنین «افزایش ۲۰ درصدی ذخایر ایران» را «خطرناک» دانسته، به «اختلافات و ضرب‌الاجل غرب به ایران» و «تعطیلی سانتریفیوژها» پرداخته است. در حالی که ان‌بی‌سی با واژگان منفی و با اشاره به «ضرب‌الاجل مذاکرات» و «تندروهای ایران» سعی کرده است به ایران به‌عنوان «حامی تروریسم» پردازد. این شبکه اختلافات دموکرات‌ها و جمهوری خواهان را درباره «غیردیپلماتیک بودن و شکست امریکا در مذاکرات» برجسته کرده و مذاکرات پیچیده وین را که در آن «ایران قدرتمندتر» شده و «خطری برای جهان» خواهد بود، بازنمایی کرده است. این تفکر با نگاه «دیگری» شرقی و از زاویه تروریسم دولتی سرچشمه می‌گیرد که حاکی از خطرناک بودن ایران برای غرب است. این تقلیل‌گرایی از شرق (ایران) از نگاه هاوکینز، تبدیل به انگاره‌هایی از ارجاعات شمال‌انگاران شده است که میزان قابل توجهی از جنبه مفهومی با انگاره‌های مرجح از طریق متون را توجیه می‌کند که در رسانه‌های غرب، با برجسب‌هایی همچون بنیادگرایی، تروریسم دولتی و... کنش‌ها و واکنش‌های غیرمنطقی به شرق را موجب می‌شوند.

سی‌ان‌ان در ادامه روند گفتمانی خود و در مشارکین مثبت، با ارائه دیدگاه‌های افرادی همچون «جواد ظریف» که نگاه مثبتی به مذاکرات دارد و «جان کری» که از پیشرفت مذاکرات صحبت می‌کند، همچنین «الفیصل» که از مذاکرات و ایجاد تفاهم استقبال کرده است، «روحانی» که از اجازه رهبر ایران نسبت به تفاهم پرده برداشته است و اوپاما که از مذاکرات دفاع می‌کند، به‌نوعی درصدد نشان دادن دولت ایران و دموکرات‌های آمریکا به‌عنوان مدافعان مذاکرات است. در حالی که ان‌بی‌سی در مشارکین مثبت، اغلب «سناتورهای جمهوری خواهان» مخالف توافق از یک‌طرف و «اسرائیل» از طرف دیگر را بازنمایی کرده است. سی‌ان‌ان در مشارکین منفی، سیگنال‌های منفی «رهبر ایران» نسبت به مذاکرات، نفرت او از آمریکا و گلایه «نمایندگان کشورهای اروپایی» درباره روند سخت مذاکرات را برجسته کرده است. ان‌بی‌سی «بازرسان سازمان ملل»، «اوپاما و دموکرات‌ها»، «تندروهای ایران» و «جواد ظریف» را جزء مشارکین منفی بازنمایی کرده است.

در ادامه، سی‌ان‌ان، «دمکرات‌های آمریکا» و «عربستان» را در صورت حمایت از مذاکرات، در جایگاه «ما» نشان داده و «اسرائیل»، «رهبر ایران و طرفداران تندرواش» را در جایگاه «دیگری» برجسته کرده است؛ اما ان‌بی‌سی مخالفان داخلی ایران، از جمله «جنبش سبز» را به همراه «جمهوری خواهان» در جایگاه «ما» نشان داده و «وزیر خارجه ایران» را که نامه جمهوری خواهان را شگرد تبلیغاتی خوانده، «دموکرات‌های آمریکا» را که جمهوری خواهان را به تضعیف مذاکرات متهم کرده‌اند و «ملاهای تندرو» را که به فکر محو آمریکا و اسرائیل هستند، به‌عنوان «دیگری» قطب‌بندی کرده است. نظر به بازنمایی دیگران و شکل‌های بازنمایی تحریف شده، سعید معتقد است که همه بازنمایی‌ها در وهله نخست، در زبان (افراد) و سپس از طریق فرهنگ، نهادها و محیط سیاسی (دولت) شکل می‌گیرند و در قدرت‌دهی یا قبض آن مؤثرند، به این ترتیب، غرب را باید به‌عنوان جامعه متمدن، قدرتمند، بالغ، عقلانی و باثبات و شرق را به‌عنوان جامعه تروریست، بنیادگرا و بی‌ثبات بازنمایی کرد تا قطب‌بندی در مسیر و خواست این رسانه‌ها با برچسب غرب «ما» و شرق «دیگری» برجسته شود.

سی‌ان‌ان در استناد و ذکر شواهد، به «تأکید رهبر ایران» بر تغییر نیافتن سیاست ایران، «جان کری» و گفته‌های او درباره پیشرفت مذاکرات، سختی مذاکرات از زبان «فابیوس و موگرینی»، سخنان «اوباما» درباره مذاکرات و همچنین «گزارش سازمان ملل» مبنی بر افزایش ۲۰ درصدی ذخایر ایران پرداخته است؛ اما ان‌بی‌سی استنادات را به «توثیت نتانیاها» درباره مذاکره بد با ایران، همراهی اعراب با اسرائیل در مخالفت با مذاکرات و محکومیت «سناتورهای جمهوری خواه» نامزد ریاست‌جمهوری امریکا، اختصاص داده است.

دلالت‌هایی همچون غرب با اخلاق، شرق بی‌اخلاق، غرب صلح‌طلب و شرق جنگ‌طلب که در بازنمایی شرق‌شناسانه انعکاس می‌یابد و در نوشته‌های اندیشمندانی چون هانتینگتون با ایده «تهدید اسلامی» نسبت به غرب برجسته می‌شود؛ در رسانه‌های غرب بازتابی پررنگ دارد. در این زمینه، سی‌ان‌ان در مباحث مرتبط با استنباط و دلالت، پیش‌فرض‌هایی همچون «نقش رهبر ایران و مشخص کردن خطوط قرمز مذاکرات»، «تغییر نیافتن رفتار ایران در مقابل امریکا»، «حمایت ایران از سوریه و حزب‌الله لبنان» که با هدف حمایت از تروریسم و ایران‌هراسی برجسته می‌شود، «بی‌اعتمادی ایران به امریکا» و «امیدواری ایرانیان به توافق و برداشتن تحریم‌ها» را برجسته کرده است و ان‌بی‌سی به بازنمایی «مخالفت اعراب و اسرائیل با توافق»، «به‌خطر افتادن امنیت اسرائیل»، «اختلاف درباره تحریم‌های سازمان ملل» و «تأکید بر محدودیت فعالیت‌های هسته‌ای» در متون خبری پرداخته است.

در ارائه اخبار مربوط به مذاکرات هسته‌ای، سی‌ان‌ان در پی تلقین این است که «مذاکرات به‌سوی توافق پیش می‌رود»، هرچند عامل اصلی این موفقیت امریکاست و دیگران نقش چندانی در این زمینه ندارند و دولت ایران نیز با سیاست‌ها و فشار امریکا بر سر مذاکره است. در این میان، دولت ایران و امریکا نسبت به توافقات، خوش‌بین اما رهبر ایران، اسرائیل و عربستان بدبین هستند. در حالی که ان‌بی‌سی در پی تلقین این نکته است که «اسرائیل و جمهوری خواهان امریکا مخالف توافق» هستند و کنگره

امریکا در پی تهدید به تغییر یافتن توافقنامه است. از سوی دیگر، ایران با دستیابی به توافق می‌تواند قدرتمندتر شود و برای امنیت منطقه خطرآفرین باشد.

سی‌ان‌ان در مبحث اجماع و توافق «پیشرفت مذاکرات»، «رهبر ایران قدرت اول در تصمیم‌گیری مذاکرات و عدم استقلال نماینده ایران»، «برداشتن تحریم‌های ایران»، «انتقاد سازمان از افزایش فعالیت‌های هسته‌ای» و «امیدواری ایرانیان به توافق نهایی» را برجسته کرده است و ان‌بی‌سی «انتقاد جمهوری خواهان از توافق» را که بیشتر یک «جنگ سیاسی برای انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا» است. در خصوص سبک بیان، سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی هر دو از سبک بیان خاص، کلی‌گویی، ابهام، نامگذاری، تأکید و واژگان خاص برای بیان مطالب استفاده کرده‌اند و در انسجام‌بخشی نیز هر دو شبکه از انسجام زمانی، شرط، علی، موقعیتی، متوالی، انگیزه‌ای و تبعی بهره برده‌اند که نشان می‌دهد از تمامی اصول انسجام‌آور خبری در تحمیل ایدئولوژی خود به مخاطب بهره می‌برند.

سی‌ان‌ان، استعاراتی چون «شلاق باران بر وین»، «شیطان بزرگ»، «سیگنال‌های متضاد» و ان‌بی‌سی، استعاره‌هایی چون «سرد کردن زمان»، «با یک حرکت قلم»، «کشتن توافق»، «به توافقنامه منفجر می‌شوند» و «آخرین نقطه اشتعال» را بازنمایی کرده است. سی‌ان‌ان واژگانی چون «نیروهای تندرو، قلدری، مرگ بر آمریکا، انگلیس، اسرائیل، شیطان بزرگ، گستاخی آمریکا» و ان‌بی‌سی واژگانی چون «ساختن بمب هسته‌ای، تحریم، وتو، لابی، حامی تروریسم» را به کار برده‌اند.

گزاره‌های اساسی سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی نیز بر پایه ایدئولوژی و گفتمان حاکم بر سیاست‌های این شبکه‌ها بوده است. در سی‌ان‌ان گزاره‌های اساسی همچون «اعتقاد دولت آمریکا به پیشرفت مذاکرات»، «جدی‌ترین تعامل ایران و آمریکا طی ۳۰ سال اخیر»، «احترام به خطوط قرمز ایران و غرب»، «برداشتن تحریم»، «بدگمانی و بی‌اعتمادی ایران به آمریکا» برجسته شده‌اند در حالی که ان‌بی‌سی «تهدید به تأیید نشدن توافقنامه در کنگره»، «متهم کردن ایران به عنوان حامی بزرگ تروریسم»، «تهدید اوپاما به وتوی توافقنامه»، «افزایش تنش بین کاخ سفید و کنگره» را در اخبار منعکس کرده است.

سطح تبیین

به باور متخصصان رسانه، با گسترش اینترنت و ماهواره، رسانه‌ها در حوزه روابط بین‌الملل تأثیرات شگرفی بر فرایند تدوین سیاست‌های جهانی داشته‌اند؛ به طوری که از «رسانه‌ای شدن سیاست‌ها» سخن می‌گویند. امروزه، به واسطه آنکه هدایت تصمیم‌سازی در حوزه سیاست خارجی، رسانه‌ای شده است، برخی استدلال می‌کنند پیدایش رسانه‌های نوین و تلویزیون‌های جهانی، ماهیت روابط را تغییر داده‌اند. به نظر اندیشمندان، برخلاف تبلیغات پرهیاهو و ژست‌های فراوان مقامات کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا، رسانه‌ها به‌عنوان ابزار سلطه به خدمت گرفته شده‌اند تا ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری را بسط دهند و تحکیم بخشند. از این منظر، آنچه رسانه‌های بین‌المللی انجام می‌دهند، چیزی جز پیروی از الگوها و روندهای نظام سلطه نیست.

بر این اساس، سازوکار تبلیغات سیاسی به یک صنعت بزرگ در غرب تبدیل شده و در گفتمان‌های سیاسی و دیپلماسی عمومی با رویکردهای رسانه‌ای دخالت دارد. این سازوکار اغلب در تولید اخبار و درز اطلاعات نادرست به رسانه‌ها فعالیت می‌کند؛ از جمله ترکیب رویدادهای درست و غلط و دادن آن به رسانه‌ها برای بی‌اعتبار ساختن یک کشور. رسانه‌های غربی ژانر جدیدی از اخبار خارجی تولید می‌کنند تا از طریق آن توده‌های مردم را تحریک کنند. در این فرایند، این شبکه‌ها منافع غرب و به‌ویژه آمریکا را در رویدادهای بین‌المللی شبیه‌سازی می‌کنند. تصاویر تلویزیونی شبکه‌هایی چون سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی اغلب از تصاویر مهیج و احساس‌برانگیز آکنده‌اند و با خودنمایی کارشناسانی که دیدگاه‌های خود را بر پایه این تصاویر تفسیر می‌کنند، ترکیب شده است. این کارکرد بارها از سوی رسانه‌های بین‌المللی علیه ایران به کار گرفته شده است تا با تحریک افکار عمومی به گسترش ایران‌هراسی دامن بزنند.

شبکه‌های تلویزیونی سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی به‌عنوان دستگاه ایدئولوژیک آمریکا هرچند در ابعاد سیاست‌های داخلی آمریکا نگرش‌ها و سیاست‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند، در ابعاد بین‌المللی، تلاش‌های مستمری در روند عملیاتی‌سازی دیپلماسی

صورت داده‌اند تا راهبردهای این کشور را در گستره جهانی تحمیل کنند. ایران هراسی با ابعاد ویژه‌ای از اسلام هراسی در اخبار شبکه‌ها به‌وفور قابل مشاهده است. آنها برای ایجاد هراس جهانی از ایران و نشان دادن این کشور به‌عنوان تهدید منطقه‌ای، اقدام به بازنمایی غیرواقعی از وقایع می‌کنند و در این راه با استفاده از قابلیت‌های رسانه‌ای از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. ایجاد رعب و هراس از ایران از سوی رسانه‌های آمریکا، هدف بزرگ استعمار نوین برای تسلط بر خاورمیانه و همراه کردن دیگران با خود است.

هدف اصلی سی‌ان‌ان نشان دادن قدرت و امپراتوری آمریکا بر جهان است تا آمریکا را به‌عنوان گفتمان مشروع و همچنین تأمین‌کننده امنیت جهانی بازنمایی کند. سی‌ان‌ان دو گفتمان موازی را نیز برجسته می‌کند و در خبرهای مرتبط با مذاکرات هسته‌ای بر آنها تأکید دارد: یکی، تأمین امنیت اسرائیل و حل نگرانی آن به‌عنوان متحد استراتژیک آمریکا و دیگری حفظ منافع با شریک استراتژیک‌اش؛ عربستان و تعهد آمریکا به حمایت از آن در مقابل ایران. در این زمینه، سی‌ان‌ان قبل از مذاکرات، با نشان دادن ایران به‌عنوان یک تهدید، در مسیر پیشبرد اهداف ایران هراسی است و آمریکا به‌عنوان ژاندارم جهانی، نقش اصلی را در تأمین امنیت جهانی دارد. این شبکه با برجسته کردن ضرب‌الاجل مذاکرات و بزرگنمایی وضعیتی همچون غیرقابل‌اعتماد بودن ایران، سعی در تحمیل تفکر آمریکا بر جهان دارد؛ یعنی ایران باید فعالیت‌های هسته‌ای خود را محدود سازد و آن را به ۴ درصد برساند تا هیچ شانس برای دستیابی به بمب اتمی نداشته باشد.

ان‌بی‌سی نیز به‌عنوان بازوی رسانه‌ای آمریکا، نگاهی چندجانبه به مذاکرات هسته‌ای دارد و با برجسته کردن دیدگاه‌های جمهوری خواهان به‌عنوان بلندگوی سیاست‌های ضد ایرانی، همسو با سیاست‌های جمهوری خواهان و اسرائیل، به پخش اخبار می‌پردازد. این شبکه با اتخاذ سیاستی دوجانبه هم به مباحث داخلی آمریکا و رقابت‌های سیاسی آنها در عرصه‌هایی همچون مسائل جهانی و انتخابات ریاست‌جمهوری می‌پردازد و هم با طرفداری از سیاست‌های اسرائیل و عربستان، سعی در بازنمایی ایران به‌عنوان تهدیدی منطقه‌ای و جهانی دارد. ان‌بی‌سی قبل از مذاکرات، با بازنمایی منفی و

متهم کردن ایران به تندروری، در پی ایجاد چهره‌ای منفی از ایران بود و با نشان دادن ضعف دولت اواما و پررنگ کردن مخالفت‌های جمهوری‌خواهان سعی در نشان دادن دولتی ضعیف از دموکرات‌ها داشت. سیاست‌های رسانه‌ای ان‌بی‌سی بر اساس ایران هراسی با تأکیدات آنها بر مواردی چون تشدید تحریم‌ها، محدودیت فعالیت‌های هسته‌ای، قدرت‌گیری ایران و ادعای نابودی امریکا همراه است. همچنین اشاره به حامی تروریسم بودن ایران و اینکه دنیا باید در برابر آن بایستد. این سیاست‌ها نشان از دیدگاه‌های تند این شبکه در مواجهه با ایران دارد که بر اساس سیاست‌ها و دیپلماسی مورد نظر جمهوری‌خواهان و اسرائیل پیش می‌رود.

در طی مذاکرات، سی‌ان‌ان با اتخاذ رویکرد مثبت به امریکا و رویکرد منفی به ایران، در پی القای این نکته بود که مردم از حکومت ایران ناراضی هستند چراکه سیاست‌های حکومت با خواسته‌ها و آرمان‌های مردم ایران متفاوت است. در گزارش‌های سی‌ان‌ان، نقش امریکا به‌عنوان قدرت برتر بازنمایی می‌شود و کشورهای انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان تحت رهبری امریکا هستند و نقش مهمی در مذاکرات ندارند. سی‌ان‌ان همچنین با برجسته کردن خواسته‌های اصلی مردم با عناوینی چون برداشته شدن تحریم‌ها، احترام به حقوق ایران و حق استفاده از فناوری غیرنظامی و با اشاره به نقش منفی رهبر ایران به‌عنوان مانع اصلی توافق، در صدد ایجاد تضاد در میان مردم و دولت است. این شبکه در تز گفتمانی خود، با تأکید بر ایران هراسی سعی دارد تا خطرناک بودن ایران را از جانب اروپایی‌ها مطرح سازد؛ روسیه و چین را بایکوت و در مقابل، امریکا را به‌عنوان بازیگر اصلی مذاکرات بازنمایی کند. این تفکرات امپریالیستی همسو با تحمیل عقیده امریکای خوب، اروپای خشتی و شرق بد است.

ان‌بی‌سی نیز با دیدگاه‌ها و زوایای سیاسی رسانه‌ای خود به انعکاس مذاکرات و مسائل مرتبط با آن می‌پردازد. این شبکه در اخبار خود نشان می‌دهد که سیاست‌های جمهوری‌خواهان و لابی صهیونیسم در این شبکه نمود عینی دارد و با بازنمایی مخالفان مذاکرات در پی ایجاد تفکر نرسیدن به توافق است. ان‌بی‌سی در گزارش‌های خود

اسرائیل و عربستان را به‌عنوان هم‌پیمانان آمریکا و مخالف مذاکرات نشان می‌دهد و از سیاست‌های دولت آمریکا به خاطر توافق انتقاد می‌کند. پس از انعکاس خبر تفاهم فنی در سطح کارشناسان که نشان از پیشرفت مذاکرات داشت و اغلب شبکه‌ها آن را جزء اخبار مثبت و امیدوارکننده منتشر کردند، ان‌بی‌سی با بی‌اهمیت شمردن آن چشم به روزهای آینده دوخت تا نشان دهد که از مذاکرات و پیشرفت‌های پدید آمده، ناراضی و منتظر به بن‌بست رسیدن مذاکرات است.

حاصل شدن توافق و اعلام مفاد تفاهم‌نامه، خبر خوشی بود که نشان از امیدواری و صلح و نشاط داشت اما سی‌ان‌ان به‌جای تأکید بر مشترکات و جملات مثبت، سعی کرد ابعاد مثبت را به اوپاما و آمریکا نسبت دهد و دیدگاه‌های منفی را از طرف ایرانیان برجسته کند. همچنین به‌جای پخش شادی مردم و امیدواری به توسعه و پیشرفت ایران، با برجسته کردن سخنان رهبر ایران مبنی بر اینکه توافق هسته‌ای موضع ایران در برابر آمریکا را تغییر نخواهد داد و با برجسته کردن مسئله‌ای غیر مرتبط با توافق وین، درباره حمایت ایران از سوریه و حزب‌الله لبنان و تعامل نداشتن با آمریکا در مسائل دیگر، سعی کرد تصویری منفی از ایران در قالب گفتمان اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی ارائه دهد و مدعی شد که ایران به‌عنوان کشوری مسلمان از کشورهایی چون سوریه، لبنان و گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند. همچنین در تبلیغات این شبکه می‌توان رویکرد مداخله‌جویانه نسبت به ایران را شاهد بود. سی‌ان‌ان با مطرح کردن نبود استقلال در دولت ایران، در پی ایجاد آشوب در چارچوب سیاسی کشور است. این شبکه ادعا می‌کند که دولت ایران تمایل به تعامل دارد و خواسته مردم نیز همین است اما حکومت ایران و در رأس آن رهبر و افراطیون، اجازه چنین کاری به دولت نمی‌دهند؛ به این ترتیب، در پی القای ایدئولوژی استبدادگونه‌ای از ایران است که به اصول دموکراتیک پایبند نیست.

ان‌بی‌سی نیز با نگاه منفی نسبت به توافق هسته‌ای، سعی در نشان دادن قدرتمند شدن ایران و شکست آمریکا دارد. ان‌بی‌سی هر کسی یا حزبی را که موافق مذاکره باشد، به‌عنوان دشمن یا «دیگری» ترسیم می‌کند. در این قطب‌بندی، ایران دشمن و

دموکرات‌ها دیگری هستند، یعنی گفتمان سیاسی - رسانه‌ای ان‌بی‌سی این است که هیچ حزب و کشوری نباید با ایران تعامل داشته باشد و باید ایران را به بدترین شکل ممکن تنبیه کرد. حال که ۱+۵ و در رأس آنها دولت اوپاما با ایران به تفاهم رسیده‌اند، اوپاما شایستگی اداره امریکا را ندارد و این از زبان نامزد جمهوری خواهان برای انتخابات ریاست جمهوری مطرح می‌شود که می‌گویند ما به رئیس‌جمهوری نیاز داریم که با ایران به تفاهم نرسد و این نشان‌دهنده گفتمان‌شناسی این حزب در برابر ایران و دشمنی همیشگی با ایدئولوژی حاکم بر این کشور است. ان‌بی‌سی با استناد به نظر مخالفان و برجسته کردن آنان قصد دارد مخاطبان را به این نتیجه برساند که توافق با ایران بسیار بد است و منفعتی برای امریکا و جهان ندارد چون ایران می‌تواند با سوءاستفاده از توافقنامه، به ماجراجویی بیشتر در منطقه دست بزند؛ توافقنامه‌ای که دشمنان تاریخی، یعنی اسراییل و اعراب را در یک جناح قرار داده و به دلیل اهمیت مسئله، علیه ایران متحد کرده است. امریکا برای از بین بردن چنین رسوایی باید سر عقل آید و تصمیمات درست و منطقی بگیرد تا هم احزاب امریکایی و هم کشورهای منطقه از تصمیمات درست خشنود باشند. این دیدگاه یعنی کنار گذاشتن مذاکره یا گفتگو، وارد شدن به جنگ با ایران و برپایی جنگ جهانی سوم. این شبکه بی‌اعتنا به مردم ایران و خواست آنان، درصدد بازنمایی یک چارچوب سیاسی شر محور از ایران است.

تبیین کلی این دو شبکه، نشان از دیدگاه منفی آنها نسبت به ایران دارد چنان‌که هر دو به دنبال تثبیت ایران هراسی هستند. پروپاگاندا‌ی سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی در جریان مذاکرات هسته‌ای و نحوه پوشش خبری آنها، بیانگر آن است که تا چه حد برای تقویت مواضع امریکا می‌کوشند. شبکه‌های مذکور سعی دارند با تقویت فضای ایران هراسی، دستیابی به توافقی که قدرت ایران را افزایش می‌دهد، خطرناک معرفی کنند. سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی مدعی‌اند که ایران با توافق هسته‌ای، قدرت می‌گیرد و به کشوری مهم در عرصه بین‌المللی تبدیل می‌شود. کارشناسان آنها اعتقاد دارند که در مذاکرات وین، چه توافق هسته‌ای حاصل شود و چه نشود، قدرت ایران افزایش می‌یابد. به باور

تحلیلگران، این فقط بلندپروازی‌های هسته‌ای نیست که توجه همگان را جلب کرده بلکه این واقعیت که مقامات ایرانی در حال مذاکره با قدرتمندترین کشورهای جهان هستند، جایگاه بین‌المللی ایران را ارتقا داده است. تهران در حال ایجاد تحرکات جدید در بازی بزرگ ژئوپلیتیک خاورمیانه است و به این ترتیب، با ترساندن متحدان واشنگتن، تأثیر و جایگاه آمریکا را در منطقه به چالش می‌کشد.

بررسی دقیق یافته‌ها بر اساس ادبیات پژوهش، نشان از آن دارد که در هر سه سطح از روش فرکلاف می‌توان شاهد بازنمایی منفی از ایران، ایجاد ایران هراسی در منطقه و انعکاس رویدادها بر اساس دیپلماسی عمومی و منافع آمریکا بود؛ همان چیزی که فاولر را بر آن داشته تا نحوه ارائه ایدئولوژی و تکمیل آن را در اخبار ببیند و با تکرار در بافت باورهای عمومی جامعه که در پس‌زمینه اخبار دنبال می‌شود، نقش بازتولید ایدئولوژی و وفاق اجتماعی را در اذهان مخاطبان تثبیت کند. سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی نیز در چارچوب چنین گفتگویی، با بازنمایی ایران هراسی، در پی تغییر نتایج به نفع آمریکا هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه تلویزیون و به‌خصوص شبکه‌های خبری به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در روابط بین‌الملل و در روابط با دولت‌ها، در راه اعتمادسازی یا ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی قدم برمی‌دارند. همچنین نفوذ در افکار عمومی با هدف بسیج آنها در صحنه بین‌المللی و فشار بر دولت‌ها، قدرت مانور این شبکه‌ها را افزون‌تر کرده است. غرب در پی استعمار جدید در خاورمیانه، ماهرانه از دیپلماسی رسانه‌ای بهره می‌گیرد و با ایجاد جنگ روانی در پی تضعیف سیاست‌ها و ایدئولوژی جناح مقابل و تقویت و تداوم سلطه خود است. آمریکا در بازی‌های سیاسی، نهایت بهره را از رسانه‌ها می‌برد و در تحکیم دیپلماسی عمومی خود با برجسته کردن تقابل‌های دوجانبه از جمله ما و دیگری، زدن برجسب‌هایی چون تروریسم دولتی و... درصدد انزوای کشورهای مستقلی چون ایران است؛ با موضوعی که در مذاکرات هسته‌ای وین، به‌خوبی آشکار و برجسته شد.

چنین چارچوبی در سیستم شرق‌شناسی غرب و پروپاگانداي آنها در ایجاد رعب و وحشت جهانی از ایران به‌عنوان حامی تروریسم و خطرات ناشی از آن در نهایت به پی‌ریزی گفتمانی با عنوان ایران هراسی انجامید تا بعد از سقوط شوروی سابق با ایجاد دشمنی بزرگ به نام اسلام و ایران بتوانند در قطب‌بندی ما و دیگری، ابتدا اسلام و سپس ایران را جایگزین شوروی سابق سازند و از این طریق، گفتمان استعماری خود را با به دست آوردن میلیاردها دلار از کشورهایمانند عربستان، ایجاد منطقه امنیتی برای اسرائیل و همراه کردن اروپا و دیگر کشورهای قدرتمند تحقق بخشند. هرچند تاکنون، مذاکرات و رفتارهای منطقی ایران، اغلب توطئه‌های غرب را ناکام گذاشته است، آنها برای دستیابی به اهدافشان، هر روز به بهانه‌هایی، در پی خروج از توافق خواهند بود. همان‌گونه که جمهوری خواهان تهدید کردند رئیس‌جمهور بعد از اوباما، توافق وین را پاره خواهد کرد و اروپا نیز که وابسته به سیاست‌های امریکاست، به‌طور ضمنی از توافق حمایت می‌کند اما به دلیل منافع خود مجبور به همراهی با امریکا شده است. چین و روسیه هم با تمامی محافظه‌کاری‌ها، در نهایت جانب حق نمی‌ایستند تا ایران در چارچوب شرق‌شناسی به‌عنوان «دیگری» تنها بماند و منزوی شود.

بر این اساس، مقاله حاضر، اخبار سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی را بر محور مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای ۱+۵ بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح توصیف، تحلیل و تبیین مورد توجه قرار داده است. نتایج مهمی که از این پژوهش حاصل شده نشان می‌دهد، شبکه‌های امریکایی، از جمله ان‌بی‌سی و سی‌ان‌ان، به دنبال ارائه تصویری منفی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران‌اند و این مسئله را با گفتمان‌های خاص خود تولید و بازتولید می‌کنند. این شبکه‌ها با بزرگنمایی و اغراق در خبرهای مرتبط با ایران، درصدد بازنمایی منفی و تحمیل ذهنیت ایران هراسی هستند. چنین چارچوبی بر اساس اسلام هراسی ناشی از آن، در نهایت، به بازتولید تصویر منفی و هراس جهانی از ایران در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای آن می‌انجامد و این وضعیت، سبب افزایش بیش‌ازپیش تعصبات، نابرابری‌ها، تبعیض و ترس از کشورهای جهان‌سومی در غرب می‌شود. این

تصویرسازی‌ها بر اساس گفتمان‌سازی‌های گوناگونی همچون ایران هراسی، حمایت ایران از تروریسم، قطب‌بندی ما و دیگری، قابل اعتماد نبودن ایران، تضمین امنیت اسرائیل و عربستان، نارضایتی مردم ایران از حکومت جمهوری اسلامی و آمریکا به‌عنوان ناجی دنیا صورت می‌گیرد.

پیشنهادها

- در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای، ایران باید حضوری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده داشته باشد و با استفاده از متخصصان حوزه رسانه و دیپلماسی بتواند از فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو موفق بیرون بیاید.
- بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ای و خبرگزاری‌های مشترک کشورهای اسلامی؛ با هدف ایجاد خرد جمعی در کشورهای اسلامی
- کشورهای منطقه از جمله عربستان، با نگاهی عمیق و آینده‌نگرانه، به‌جای اعتماد به سیاست‌های استعمارگرانه آمریکا، می‌توانند با کشورهای منطقه دست دوستی دهند و با تقویت همبستگی، به پیشبرد اهداف ملی و منطقه‌ای کمک کنند.
- مذاکرات هسته‌ای نشان داد که با تعامل و گفتگو می‌توان اغلب مشکلات و تضادهای سیاسی را حل کرد. پیشنهاد می‌شود که دولت ایران در مسائل منطقه‌ای و جهانی به همین رویه ادامه دهد تا در مسائل و اختلافات منطقه‌ای و جهانی نقش آن کم‌رنگ‌تر شود.
- تدوین راهبردهای فعال و گفتمان‌ساز در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای، ایجاد سازوکارهای پویا و فراگیر، تقویت رسانه‌های بین‌المللی کشور از لحاظ ساختار، امکانات و منابع انسانی متخصص و توانمند، همچنین جلب مشارکت و همراهی رسانه‌های مستقل و مردمی در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای.

منابع

- پیرنجم‌الدین، حسین. (۱۳۸۹). گفتمان شرق‌شناسانه در بازنمایی‌های رسانه‌ای غرب از ایران. *تحقیقات فرهنگی*، ۳(۲).
- شرف‌الدین، سیدحسین و کوهی، احمد. (۱۳۹۵). تطورات اصل عینیت‌گرایی و بی‌طرفی در اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ها. *دین و سیاست فرهنگی*، ۳(۲).
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی* (گروه مترجمان). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.
- فرقانی، محمدمهدی و احمدی، علی. (۱۳۹۰). تصویرسازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۸(۳۰).
- قندهاری، سمیه. (۱۳۹۷). *اسلام هراسی چیست و چه تبعاتی دارد؟* سایت ستاره، بازیابی شده از: <http://WWW.setare.com/fa/news/9878>
- متقی، ابراهیم و بالازاده، محمد. (۱۳۹۲). تأثیر دیپلماسی عمومی امریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *مدیریت و پژوهش‌های دفاعی (دافوس)*، ۱۲(۷۳).
- محمدمدنی فومنی، حسین. (۱۳۹۳). *جهان درگیر اسلام هراسی غربی و شیعه هراسی شرقی*. سایت شفقنا، بازیابی شده از: <http://www.shafaqna.com/persian/services/islam-world/item/75116>
- مرکز مطالعات خلیج فارس. (۱۳۸۹). *اعراب حاشیه خلیج فارس و خرید تسلیحات*. بازیابی شده از: <http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&id=739>
- مورگنتا، هانس. (۱۳۹۳). *سیاست میان ملت‌ها* (ترجمه حمیرا مشیرزاده). تهران: وزارت خارجه، چاپ پنجم.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۴). *بازنمایی ایران در مطبوعات غرب؛ تحلیل انتقادی گفتمان نیویورک‌تایمز، گاردین، لوموند و دی‌ولت*. پایان‌نامه دکترا، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.

مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۷). **رسانه‌ها و بازنمایی**. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۳۸۸). **زبان‌شناسی و کاربرد آن در اخبار**. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۲۴.

ولچ، دیوید. (۱۳۶۹). **تبلیغات و سینمای آلمان نازی** (ترجمه حسن افشار). تهران: مرکز.
هال، استوارت. (۱۳۸۴). **بومی و جهانی، جهانی شدن و قومیت** (ترجمه بهزاد برکت). ارغنون، ۲۴.

Bayındır, Ö. (2007). **Representation of Kurd in Hurriyet and Cumhuriyet Newspapers**, PhD Thesis, Ortadogu Un. Sociology Fac.

Ekshi, H. & Chelik, H. (2011). **Discours Analysis, Eğitim Bilimleri**, Turkey, Marmara University, No. 27.

Fairclough, N. (1996). **Discourse and Social Change**, London: Polity Press.

Feffer, J. (2017). **Our Suicide Bombers: Thoughts on Western Jihad**, Huffingtonpost Site, https://www.huffingtonpost.com/john-feffer/our-suicide-bombers-thoug_b_253147.html

Fowler, R. (1993). **Language in the News, Discourse & Ideology in the Press UK**, London: Rutledge.

Gilboa, E. (2011). **Diplomacy in the Media age, Diplomacy and Statecraft Journal**, London: Routledge, No. 12. P. 2.

Hodenberg, C. (2017). **Media and Society: the Role of Television**, FBK institute.

Nachmias, D. & Nachmias, C. (2002). **Research Methods in the Social Sciences**, 8th Edition, New York St. Martin's Press.

- Presl, N. (2014). **Orientalisme**, Paris: Atrabile Editions.
- Shaheen, J. (2003). **Reel Bad Arabs: How Hollywood Vilifies a People**, London: Sage.
- Stafford, G. (2003). **The Media Student's Book**, Routledge, Branston press.
- Van Dijk, T.A. (1995). **Discourse analysis as Ideology analysis, Christina Schaffner & Anital, Wenden (eds)**. Language & Peace, Dartmouth: Alders hot.
- Yasin, C. (2012). **The Effect of News Discourse on Internet Contents**, PhD Thesis, Ankara University, Communication Faculty.
- Young, S. M. (2014). **The Role of Global Media in Public Diplomacy**, Chinadaily, Site, http://www.chinadaily.com.cn/opinion/2014-01/11/content_17230295.htm